

فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)

علمی - پژوهشی

سال هفتم - شماره دوم - تابستان 1393 - شماره پیاپی 24

معرفی نظام‌الدین استرآبادی و سبک شعر او<sup>1</sup>

(ص 267-285)

مهدی حمزه پور سوینی<sup>2</sup>

تاریخ دریافت مقاله: 1392/11/24

تاریخ پذیرش قطعی مقاله: 1393/4/15

### چکیده

گنجینه ادب فارسی سرشار از جواهراتی است که تاکنون معدودی از آنها تصحیح و به جامعه ادبی معرفی شده است. یکی از شاعران توانمند که آثار او معرفی و تصحیح نشده، نظام‌الدین استرآبادی شاعر شیعه مذهب قرنهای نهم و دهم است. شعر او از دو دیدگاه اهمیت دارد: نخست از بعد شعر مذهبی و توجه ویژه او به مدح ائمه شیعه و دیگر از بعد ادبی و شیوه خاص بیانی که بعدها به سبک هندی مشهور شد. نگارنده با در دست داشتن شش نسخه خطی دیوان شعر او را تصحیح نموده است. در این مقاله برآنیم که برای نخستین بار نسخه خطی دیوان او را معرفی کرده و به اجمال ویژگیهای شعر او را بیان کنیم.

**واژه‌های کلیدی:** شعر شیعی در قرن نهم، نظام‌الدین استرآبادی، نسخه خطی، تصحیح.

<sup>1</sup> مقاله بر گرفته از پایان نامه دکتری است با عنوان تصحیح انتقادی دیوان نظام استرآبادی به راهنمایی استاد جناب آقای دکتر علی محمد سجادی.

<sup>2</sup> دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران. mehdihamzepoor@yahoo.com

### مقدمه

نسخه‌های خطی گنجینه‌های ارزشمند علمی، فرهنگی و تاریخی هر زبان و کشوری بوده و بخش‌هایی از هویت ملی و فرهنگی را حفظ کرده است. شناخت پیشینه فرهنگی، وضعیت فکری، علمی، ادبی و زبانی گذشتگان، منوط به شناخت کامل آثار مکتوب آنهاست. تصحیح و چاپ آثاری که به صورت نسخ خطی در کنج کتابخانه‌ها مهجور مانده، گنجینه ادب فارسی را کامل و شناخت ما را در مورد پیشینه فرهنگ و ادب ایران دقیقتر میکند.

هر یک از نوشته‌های پیشینیان در حکم حلقه‌ای از زنجیره تمدن و فرهنگ این مرز و بوم است. با تصحیح و احیای این آثار به نحوی که بر پایه اصول و موازین نقد و تصحیح علمی استوار باشد میتوان این زنجیره را کامل کرد و به شناختی دقیق و قضاوتی صحیحتر درباره پیشینه فرهنگ و ادب ایران رسید. این ضرورت، بخصوص در حوزه زبان و ادبیات فارسی بیشتر احساس میشود چرا هر یک از این متون، گوشه‌ای از ساختار و تاریخ‌تطور زبان و ادبیات ما را نشان میدهد.

### معرفی نظام

نظام استرآبادی از بزرگان شعر فارسی حوزه ادبی هرات در قرن نهم و دهم هجری است، سام میرزا صفوی او را چنین معرفی میکند: «مولانا نظام، استرآبادی است و از اهل صلاح و سداد، سلیقه‌اش چون به معما چسبان [و چیستان] بود اول به تحصیل آن فن نمود و در اواخر به مداحی اهل بیت علیهم السلام روی آورد، از رشحات اقلام بلاغت انجامش، ریاض سخنوری نضارت پذیرفته و از برکات سحاب افادت آمالش، گل‌های گوناگون در حدایق ذاتش شکفته، گاهی به گفتن مثنوی نیز مبادرت مینمود و کتاب بلقیس و سلیمان از اشعار اوست...» (تحفه سامی، ص 147)

در تذکره‌ها به تاریخ ولادت او اشاره‌ای نشده ولی با توجه به سال وفات (925 ه.ق) و در نظر گرفتن شکواییه‌هایی که از پیری و خمیدگی قامت سروده است (قصاید شماره 48 و 93)، تاریخ ولادتش بایستی در اواسط قرن هشتم یا قبل از آن باشد.

«عمّاگویی در قرن نهم بسیار متداول و آزمونی برای اظهار مهارت و تیزی ذهن و سرعت انتقال بوده است، هر چند از آغاز این عهد به پایان آن نزدیک میشویم، رواج آن بیشتر میشود، در واقع فنی بود که همه از آن اطلاع داشتند. دولتشاه سمرقندی در تذکره‌اش به عجز خود در درک معمایات اعتراف دارد...» (تاریخ ادبیات در ایران، صفحان 4 ص 116) نظام نیز نخست تحت الشعاع اوضاع روزگار به

معماگویی گرایش یافت و به نظام‌معمايي مشهور شد، رساله‌ای نیز در فن‌معما نوشت<sup>۱</sup> ولی با ظهور امیرحسین معمايي، نظام و دیگران سپر افکندند<sup>۲</sup> و زان پس نظام به قصیده‌سرایی متمایل شد و در اشعار خود بزرگان دربار تیموری هرات را مدح گفت و چون ارادت ویژه‌ای به امیرعلیشیرمختل<sup>۳</sup> ص به نوایی داشت، دیوان خود را به نام او تمام کرد و قصاید بسیاری در مدح و چندین مرثیه در سوگ او سرود، مدتی بعد به زادگاهش بازگشت و در خدمت شاهزادگان تیموری حاکم بر استرآباد و امرای محلی قرار گرفت و همزمان بامداحی آنان که راهی برای گذران زندگی بود به منقبت‌گویی پیامبر و اهل بیت روی آورد و در این شیوه از دیگران پیشی گرفت، قصاید بسیاری در مدح پیامبر و علی علیه السلام سرود و به آنها عنوان «چرخیات» داد:

«کسی زین گونه زیر چرخ چرخیات نشنیده ز خوش طبعان رنگ‌آمیز صنعت‌سنج نظم‌آرا»

در ارادت به اهل بیت چنان نام‌آور شد که بیشتر تذکره‌ها او را شاعری که تنها به مدح اهل بیت پرداخته و جز آن شعری نگفته است معرفی میکنند، برای نمونه در تذکره هفت‌اقلیم میخوانیم: «و او به غیر مدح اهل بیت شعری نگفته، بقره‌ها ت اهل دنیا زبان نیالوده...» (هفت اقلیم، رازی: ج ۳ ص ۱۰۷) در نسخه‌های متأخر دیوانش نیز تنها قصاید مذهبی او را می‌بینیم<sup>۳</sup> در حالی که نسخه‌های کهن‌تر شامل قصاید مدحی و منقبتی اوست<sup>۴</sup>. به خواهش خواجه سیف‌الدین مظفر بتکچی، فرمانروای استرآباد، در سال ۹۱۸ ه. ق. مثنوی حماسی دینی سرود به نام «سعادت‌نامه»<sup>۵</sup> که موضوع آن زندگی پیامبر و مبارزات اوست قبل از آن در مثنوی‌سرایی تجربه دیگری داشت به نام «سلیمان و بلقیس» که نسخه‌های آن در دسترس نیست. وی در سال ۹۲۵ ه. ق. در استرآباد روی در نقاب خاک کشید.

### ممدوحان

<sup>۱</sup> دستور معما که رساله‌ای است در آموزش فنون معما که نسخه‌های آن به شماره (۴۴ج) و (۵۵۵) در کتابخانه و مرکز اسناد دانشگاه تهران موجود است. (فهرست کتابخانه دانشکده الهیات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۱۵۹)

<sup>۲</sup> در نسخه خطی ۲۵۱۴/۱ کتابخانه ملی برگ‌های ۲۰۰ تا ۲۰۶ نوشته است به نثر از زبان نظام که این موضوع را کامل توضیح داده است.

<sup>۳</sup> مثل نسخه کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) به شماره ۳۷۵ که تنها قصاید منقبتی او را شامل است.

<sup>۴</sup> نسخه کتابخانه ملی به شماره ۲۵۱۴ و نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۸۲۶ و نسخه موسسه دهخدا به شماره ۲۶.

<sup>۵</sup> مثنوی سعادت‌نامه، بر وزن خسرو و شیرین (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) هزج مسدس مقصور محذوف که موضوع آن زندگی حضرت محمد "ص" و جنگهای او است و بیانی حماسی دارد، حدود ده هزار بیت که نسخه‌ای از آن به شماره (۳۶۴۲) در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. (فهرست نسخ دانشگاه تهران: صص ۲۶۴۶ و ۲۶۴۷)

- 1- سلطان حسین میرزا مشهور به سلطان حسین بایقرملقه تب به «خاقان منصور»، مغز السلطنه، «ابوالغازی» از آخرین امرای تیموری، سالهای پایانی حکومت او مصادف بود با نیروگرفتن ازبکان و آغاز هجومهای آنان به ماوراءالنهر و قدرتمند شدن دولت نوحاسته صفوی، با مرگ او حکومت تیموریان نیز در ایران رو به افول گذاشت و عرصه برای استیلای صفویان گسترده شد. اثری موسوم به «مجالس-العشاق» و اشعاری به فارسی و ترکی دارد تخلص «حسینی» بوده است.<sup>1</sup>
- 2- امیر علیشیر نوایی، از بزرگان روزگار و از وزرای شاعر و فرهنگ‌دوست دربار سلطان حسین بایقرا در هرات بود. نظام احترام ویژه‌ای برای او قائل بوده و قصاید بسیاری در مدح او سروده است. در سوگش نیز ترکیب‌بندی سرود (ترکیب‌بند شماره 5) وی مردی خیر و دوستدار هنر و ادب بود، همگامی سلطان حسین بایقرا با وی سبب شد تا هرات در پایان قرن نهم و آغاز قرن دهم یکی از مراکز مهم ادب و هنر در تاریخ ایران گردد. در شعر ترکی «نوایی» و در شعر فارسی «فانی تخلص» می‌کرد.
- 3- محمد محسن میرزا معروف به کپک‌میرزا، از فرزندان سلطان حسین بایقرا است و مدتی والی استرآباد بود.
- 4- مظفر حسین میرزا، فرزند دیگر سلطان حسین است.
- 5- امیر یوسف‌علی کوکلتاش، برادر امیرعلیشیر، از سال 874 تا 876 ق والی استرآباد بود.
- 6- امیرشاه حسین صفاهانی؛ تحفه سامی در صحیفه سوم در ذکر وزرای بکر م و سایر ارباب قلم از او نام می‌برد.

از بزرگان خاندان بتکچیان، حاکمان استرآباد، این افراد را مدح گفته است:

- 7- خواجه فخرالدین بتکچی 8- خواجه سیف‌الدین مظفر بتکچی 9- خواجه غیاث‌الدین علی بتکچی 10- ابن - یمین پسر خواجه سیف‌الدین مظفر 11- نظام‌الدین محمود پسر خواجه محمد بتکچی 12- خواجه منصور بتکچی 13- خواجه شمس‌الدین محمد بتکچی.

#### معرفی نسخه‌ها

1) نسخه «س» این نسخه به شماره (826) در مخزن کتابخانه شماره دو مجلس شورای اسلامی محفوظ است. نوع جلد تیماج سبز یشمی ضربی و مقوایی نو در ابعاد (18 در 24) که آن را عبدالله کاتب در سال 967 ق یعنی تقریباً 40 سال بعد از وفات شاعر با خط نستعلیق خوش در 197 برگ نوشته است. نوع کاغذ سفید است و هر صفحه 15 سطر دارد که سطرها در ستونی به ابعاد (9 در 14) جای گرفته‌اند.

(<sup>1</sup>) حبیب السیر، ج 4، صص 110 - 113 / تحفه سامی، صص 16-18.

این نسخه همان نسخه کتابخانه مفتاح است که در فهرستواره دنا جداگانه معرفی شده است، چرا که در صفحه اول، مهر کتابخانه دکتر مفتاح مشاهده میشود با توضیحی مبنی بر مبلغ خرید نسخه و سال کتابت آن به خط و امضای ایشان. در چند جای نسخه مهرهایی با اسامی محمدعلی، باقرالعلوم و محمدصالح دیده میشود. در پایین صفحه در گوشه سمت چپ رکابه دارد، یعنی کلمه‌ای که صفحه بعدی با آن آغاز میشود، نوشته شده است. هر شعر از شعر بعدی با عنوانی مثل «وله»، «وله قصاید»، «وله فی مدح»، «فی المقطعات»، «فی الهجو» و... یا نامی برای قصیده مثل «چرخیات» و با رنگ شنگرف سرخ، جدا شده است. در قصاید مدحی نیز مصراعهای آن بیتی که نام ممدوح را دارد زیر هم نوشته شده است که باعث شده این نوع قصاید، از نظر ظاهر شبیه ترکیب‌بند شوند.

این نسخه از دو بخش تشکیل شده است: بخش نخست تا صفحه 59 که تنها شامل قصاید است و مضامین نیز مدح و منقبت‌نامه و دعوت به درویشی و دوری از دنیا است. بخش دوم از صفحه 60 تا پایان نسخه یعنی تا صفحه 197 ادامه دارد، این بخش علاوه بر قصاید مذهبی و زاهدانه، شامل قصاید ترکیب‌بندهایی در مدح امیر علیشیر، خواجه مظفر و سایر اکابر میشود. پس از ترکیب‌بندها به ترتیب قطعات، هجویات، غزلیات و رباعیها آمده‌اند.<sup>1</sup>

**اعتبار نسخه:** تاریخ کتابت آن 40 سال بعد از مرگ نظام یعنی سال (967) است خط آن خوانا و بیشتر دیوان را شامل میشود. در بین نسخ معمولاً صحیحترین نوشته را دارد. کاتب نیز دقیق بوده و افتادگیها را در حاشیه نوشته و پس و پیش شدن کلمات را با علامت «م» (مقدم) و «خ» (مؤخر) در روی ابیات نشان داده است. این نسخه را در تصحیح، متن اساس قرار دادیم.

(2) **نسخه (د):** این نسخه به شماره (26) در مخزن کتابخانه سازمان دهخدا محفوظ است. در فهرستواره دنا با عنوانی جداگانه و غیر از آثار نظام معرفی شده است. نوع جلد تیماج تریاکی ضربی مقوایی است. بر اساس تاریخی که کاتب در انتهای دیوان آورده در سال 1002 یا 1003 کتابت شده است. نام کاتب آن فلان بن عبدالباقی حسینی و خط نسخه نستعلیق ریز است. عناوین قصاید با رنگ شنگرف قرمز نوشته شده است. دارای 207 برگ است.<sup>2</sup>

**اعتبار نسخه:** بعد از نسخه اساس نزدیکترین نسخه به زمان شاعر و شامل قصاید مدحی و مذهبی است و نسبتاً نسخه کاملی است. از نظر موارد اختلاف به نسخه اساس نزدیکتر و گاه صحیحتر از آن است. مشکل اصلی این نسخه پراکندگی صفحات کتاب و بی‌دقتی در صحافی است، بطوری که توالی

<sup>1</sup> فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس سنا، ج 2 ص 70. / نشریه نسخ خطی، ج 7، ص 166.

<sup>2</sup> نشریه نسخ خطی، ج 3، ص 20.

صفحات رعایت نشده و گاه ادامه قصیده‌ای در جای دیگری نوشته است. بعضی از اشعار در آن ناقص است. در بعضی صفحات رکابه دارد که به علت آشفتگی صفحات معمولاً با صفحه بعدی همخوانی ندارد.

3- **نسخه (ی)** این نسخه به شماره (2514/1) در مخزن کتابخانه ملی محفوظ است و در مجموعه‌ای قرار دارد که شامل دیوان نظام و برادران او، طایری و مهدی است. هر یک از این دیوانها با شماره فرعی مشخص شده‌اند. دیوان نظام نخستین بخش است. نوع جلد تیماج مقوایی قرمز با ترنج و نیم‌ترنج کوبیده منگنه شده در ابعاد (140 در 235). نوع کاغذ فرنگی آبی در ابعاد (70 در 120) و 254 برگ دارد. در هر صفحه 12 سطر نوشته شده است. در صفحه آغازین دیوان و نیز در صفحه 200 و 207 سرلوحه‌ای وجود دارد که با آب طلا و رنگ لاجورد و سبز و شنگرف تذهیب شده است. بعد از این سرلوحه در صفحات اول و دوم بین خطوط طلاکاری شده است. ابیات همه صفحات در جدولی قرار گرفته‌اند که با آب طلا، رنگ قرمز و شنگرف ترسیم شده است. فاصله دو مصراع نیز با دو خط عمودی جدول از هم جدا شده است. از صفحه 1 تا 512 شامل دیوان نظام است. در صفحات 200 تا 206 حسب حالی است از زبان نظام که بیانگر علت گرایش او به قصیده‌سرایی و ترک معمّاگویی است. این نسخه در واقع دو بخش دارد: بخش نخست از صفحات یک تا دویست را شامل میشود که قصاید، قطعات، ترکیب-بندها، غزلها و رباعیات در آن جا گرفته است. بخش دوم از صفحه 200 تا پایان که اغلب شامل قصایدی است در مدح و منقبت ائمه و دعوت به زهد و درویشی. این نسخه با خط نستعلیق خوش و به احتمال قوی در سده دوازدهم به دست کاتبی نامعلوم نوشته شده است.

**اعتبار نسخه:** کاملترین نسخ است و بسیار خوشخط نوشته شده و تمامی صفحات آن خوانا و تنها نسخه‌ای است که سخنان نظام به نثر در آن ثبت شده است. اما کاتب بسیار بی‌دقت بوده و کلمات افتاده بسیار دارد و هرگاه، جایی برای نوشتن در جدول نمانده ادامه مصراع را ننوشته است. خطاهای متن را در هیچ مورد توضیح نداده است گویا نمیخواسته زیبایی و جدول‌بندی کتاب مخدوش شود.

4- **نسخه (م)** این نسخه به شماره (13983) در مخزن کتابخانه شماره یک مجلس شورای اسلامی محفوظ است. نوع جلد میشین سبز مجدول و ابعاد هر برگ (11 در 17/5) است، هر صفحه شامل 15 سطر است. در 131 برگ در 24 ربیع‌الاول 1065 ق به دست محمدحسن مکتبدار نوشته شده است. این نسخه فقط شامل قصاید است. گوشه بعضی از صفحات پاره شده و در بعضی از صفحات نواری که به هنگام

صحافی به وسط صفحه چسبیده روی ابیات را گرفته و قسمتی از بیت را ناخوانا کرده است.<sup>۱</sup> مصراع-های بیت اول هر قصیده را زیر هم نوشته تا با قصیده قبلی متمایز باشد، در پای صفحه نخست رکابه‌نویسی دارد. اشتباهات املائی را معمولاً در حاشیه توضیح داده است. در بعضی قصاید نظم ابیاتش مطابق نسخه‌های دیگر نیست.

**اعتبار نسخه‌ها:** این نسخه فقط قصاید را آورده که اغلب آنها در منقبت ائمه است و بیشتر قصاید مدحی اکابر را ندارد، بنابراین نسخه کاملی نیست. با اینکه قدمت زیادی دارد ولی با بی‌دقتی بسیاری نوشته شده و اختلافهای بسیاری با نسخه اساس دارد. از اغلاط املائی نیز خالی نیست.

5- **نسخه (ج)** به شماره (9406) در کتابخانه مجلس شورای اسلامی محفوظ است. تاریخ کتابت آن 15 شعبان 1221 ه. ق است و تنها قصاید را در برمیگیرد و 99 برگ (23 در 11) دارد. متاخرترین نسخه است. دقت املائی خوبی دارد حتی تشدیدها و نقطه‌ها را رعایت کرده. اما ابیات بسیاری را از میانه قصاید انداخته است.

6- **نسخه (ط)** این نسخه به شماره (375/2) در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار) نگهداری میشود. نوع جلد آن تیماجی و نوع کاغذ، بخارایی در ابعاد (22 در 12/5) است. هر صفحه 17 سطر دارد. نوع خط، نستعلیق سده یازدهم قمری است. اثر اندکی از نم و رطوبت بر نسخه دیده میشود. فقط قصاید مذهبی و زاهدانه را شامل میشود. در بیشتر موارد با نسخه اساس منطبق است. گاهی بیتها را ناقص نوشته است یا جای واژه‌ای را خالی گذاشته است.

\* شهرت اشعار نظام

در جنگهای بسیاری قصاید نظام وارد شده است از جمله (نسخه‌های خطی محفوظ در کتابخانه مجلس به شماره های 304/4، 14199/15، 8982/22، 18876، 13875/28 و ...) همچنین نسخ خطی محفوظ در کتابخانه ملی به شماره‌های (15416، 7157، 2821، 4833 و ...) ابداع البدایع سه بیت از نظام را شاهد مثال آورده است

<sup>۱</sup> فهرست نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ج 37، ص 231.

الف) شاهد برای «تذییل<sup>1</sup>»:

به رسم تحفه دهم جان بگیر و خرده مگیر	جزاین نماند مرا تحفه الفقیر، حقیر <sup>2</sup>
ب) شاهد برای «حسرتخط <sup>3</sup> ص»:	
لبت به مرده دهد زندگی چو آب حیات	مگر که بوسه زدی بر بساط مرقد شاه <sup>4</sup>
ج) شاهد برای «کلام جامع <sup>3</sup> »:	
با صدهزار دیده به گرد جهان ، سپهر	جویای آدمی است ولی آدمی کجاست
وحدت گزین که صافی خاطر ز وحدتست	از امتزاج خاک بود کاب بی صفاست <sup>5</sup>

برجسته‌ترین ویژگی‌هایی که از مطالعه دیوان نظام و کتب تراجم و تذکره‌ها درک میشود چنین است:  
\* توجه به روشنان فلکی و تصویرسازی با فلکیات در دیوان نظام به اندازه‌ای قابل توجه است که اشعار خاقانی و انوری را در ذهن تداعی میکند، تغزل سی قصیده توصیف عناصر فلکی است، تقدیرگرایی و باور به تأثیرگذاری روشنان فلکی بر سرنوشت آدمی، بخشی از این توجه شاعر به فلک را موجب شده است، بدبینی نسبت به سرنوشت در جای‌جای کلام او نمود پیدا میکند.

تیغ کین ،انجم به قصد اهل دنیا بسته‌اند	رهزنان این بیابان ، راه ، بر ما بسته‌اند
اختران پیوسته در جنگند با اهل زمین	کهنکشان آمد صفی کز بهر هیجا بسته‌اند
گرچه آتش در دل اندوهگین ما فتاد	نیست تدبیری که آب ما ز بالا بسته‌اند

این توجه به روشنان فلکی تنها جنبه منفی ندارد بلکه موجب شده است که شاعر تعبیر بسیار زیبایی از اجرام فلکی در دیوانش بیافریند. با تخیل نازک‌اندیش خود از یک پدیده فلکی بارها تصاویر تازه‌ای می‌سازد و اعجاب خواننده را برمی‌انگیزد، برای مثال در ابیات زیر با آفریدن مشبّه‌به‌های متنوع برای «ماه نو» هر بار تصویری بدیع خلق کرده است: نیم‌کعب قدح/ناخن ضرغام/ گوشه عصابه زرا/ ماهی/ دوره پرگار/ ناخن رنگرز/ نیمه حرف لام.

<sup>1</sup> شمس‌العلماء تذییل را چنین توضیح داده است: «آن است که تکلم پس از کلام تام حسن السکوت، جمله‌ای در ذیل سخن بیاورد برای تحقیق و تأکید کلام سابق، اما اگر در آن سخن نقصانی بود که به آن جمله کمال یابد، صنعت تکمیل است»

<sup>2</sup> ابداع البدایع، ص 116. همچنین این بیت را آتشکده آذر ج 2 ص 802 آورده است.

<sup>3</sup> «آن است که بی‌تی یا جمله‌ای در طی سخن بیاورند که از باب حکمت و پند و سایر مطالب حقیقه و به منزله مثلی

باشد»

<sup>4</sup> ابداع البدایع، ص 232.

<sup>5</sup> ابداع البدایع ص 297.



چو نیم کعب قدح ، کان بود ز نقره خام  
که خون رنگ دهد رنگ ناخن ضرغام  
ز فرق شاهد رعنا ، عیان ز گوشه بام  
که ماهی است به مأوای تنگ کرده مقام  
هنوز ناشده آغاز را ، قرین انجام  
که مدتی ننموده ، به کار رنگ اقدام  
ز سیم حل شده، مرقوم گشته دامن لام

همی نمود برین سطح لاجورد ، هلال  
که از شفق بنمودی بدان صفت گلگون  
گهی چنانکه بود گوشه عصابه زر  
گهی خمیده درین بحر نیلگون گفتی  
گهی چو دوره پرگار کان بود دایر  
چو پنج ناخن آن رنگرز ، نمودی گاه  
گهی به صفحه سیمابگون همی گفتی

ولی در کار که خیال شاعر هنوز مشبه‌به‌های دیگری برای هلال نهفته است: تحت الحنک / لب  
حوری / احاشیه / مقراض شده نامه / دسته مینای فلک / کلاه شکسته فلک / وصله گر اوراق فلک / انگشت  
دوران / برگ کاه / کلید قلعه فلک / دندان ارقم گردون / کبوتر نامه بر / استخوان شکسته پهلوی فلک و ...  
گشا چشم خرد، وز ماه نو تحت الحنک بنگر  
کند ظاهر ، شبانگه ماه نو را در شفق، گویی  
ز طرف نامه قدرت که مقراضش عطارد کرد  
بهر دست ساقیان بزم عرفان از هلال  
ملازم تو بود چرخ ، شامگاه قتال  
بود به کسار توصحات غیب، از مه نو  
بر جسام آسمان نهد انگشت ماه نو  
چشم شهاب دوش ز شوق تو می‌پرید  
کوتوال دهر سرکش بس که اندیشد ز تو  
چه اعتماد به گردون که هست بهر گزند  
مه نو نیست که گردیده به مغرب مایل  
یا نه ، سر پنجه قهرت به هم افشرده سپهر

علاوه بر تخلص قصاید در میانه اشعار نیز توجه ویژه‌ای به تصاویر فلکی دارد.  
**\*واژه‌های محوری:** با توجه به این که موضوع بیشتر ترغیله‌ها، توصیف شب، پدیده‌های فلکی، طلوع و  
غروب است، این واژگان بیشترین بسامد را در دیوان دارند: آسمان، فلک ، چرخ، هلال ، خور ، حقه  
، ستاره ، شهاب ، کهکشان ، خسوف ، کسوف ، همچنین واژگان (حباب ، لؤلؤ ، دُر ، معدلت ، ظبط ، عطف  
، عطف ذیل ، تقویت ، زهی) بسامد تکرار زیادی دارند و جزو کلمات مورد علاقه شاعرند

\* ترکیب‌های وصفی و اضافی: از ترکیب‌های وصفی و اضافی بسیار بهره می‌گیرد که ترکیب‌های ابداعی در میان آنها کم نیست: گوگرد دل، گوگرد قناعت، سرشک کواکب، طفل تفرقه، لجه حرمان، سیماب حرص، گرد عصیان، پله طاعت، گرمابه ریاضتِ نفس، نقد وفا، خیمه حباب، خندق تن، غنچه نایبه مرگ، بیابان ارادت، خامه معجزینان، نیساتفک<sup>۳</sup>، شربتکده فضل، کام ادراک و ... .

به گوگرد قناعت گر کِشی سیماب حرص ای دل      به کنج فقر ازین اکسیر ، یابی خط مستوفی  
از دم تیغ جهان سوزش، هوا بگریخته      خویش را در خیمه تنگ حباب انداخته  
ز نیساتفک<sup>۳</sup> هر قطره ای کافتد در این دریا      کند پرورده ، طبع دُر فشان من صدف سانش  
رؤی درون چو به گرمابه ریاضت نفس      فکن لباس تعلا<sup>۳</sup> ق ، ز پوست بیرون آ

\* ترکیب‌سازی با اسامی خاص: با اعلام تاریخی، اضافه تشبیهی می‌سازد که تلمیح نیز در آن نهفته است:

زلیخای خرد، یوسف بخت، سلیمان روز، رخسِ غصه، رخسِ تعظیم، آب ذوالفقار، مصرِ دلِ دشمن، مصرِ  
عدم، بیژن تیغ، کاموسِ جهالت، سکندرِ قلم ... .

رستم آسا برآورد یلان      بیژن تیغ را ز چاه نیام  
شهی که تا شود اطراف مُلک دین، محکم      به خندق تن خصم ، آب ذوالفقار انداخت  
شد ز اقتضای چرخ، سلیمان روز ، عزل      کز دیو قیرگون ، زمین گشت بی‌نگین  
دماغت مبتلایِ رنج کاموسِ جهالت شد      یکی بر خود بجنب ای خفته زین تشویش، برهانش

\* وجود کلمات و اصطلاحات عربی در دیوان نظام بیانگر این نکته است که وی به زبان عربی آشنایی داشته و گاهی ابیات عربی نیز در میان اشعارش دیده میشود: اصلاب، اغصان، اکتحال، التجا، التباس، التقا، انب، انین، اوتاد، ایلاف، بختی، بقم، تعمیه متلق<sup>۳</sup> ط، مجبول، مستعلا، نائبه، نطاق، وهّاج، هابط و ... .

ترکیب های عربی: تحت الحنک، خیر الثیاب، مرجع الاوتاد، مقصد الاقطاب، نبی<sup>۳</sup> الوری ...  
آن دو کریم‌النسب و آن دو عظیم‌الحسب      و آن دو جلیل‌اللقب و آن دو جمیل‌اللقبا  
شفیع‌المدنیین، خلثم<sup>۳</sup> سل، خیر الوری، یعنی      نبی<sup>۳</sup> تهک<sup>۳</sup> سی ، امام مسجد الاقصی  
الحمد للقدیم ، لک العز و الجلال      شاه سریر لم یزلی ، حی لا یزال

\* **مهارت او در شاعری** به‌ویژه در قصیده‌سرایی را تذکره‌نویسان یادآوری کرده و شعر او را ستوده‌اند: (تحفه سامی، ص 147)، (حبیب‌السیر، ج 4، ص 347)، (هفت‌اقلیم، ج 3، ص 107)، (مجالس‌النفایس ص 85)، (روز روشن، ص 833).

براساس نسخه‌های خطی، قصیده عمده‌ترین قالب شعری است که در آن طبع‌آزمایی کرده است، یعنی **یکصدوبیست و نه قصیده** سروده که مجموع ابیات آنها (5753 بیت) است، طولانی‌ترین آنها قصیده «منهاج‌الهدی» است با 127 بیت که در جواب قصیده «مرآت‌الصفاء» ی خاقانی سروده است. در ترکیب‌بندگویی نیز مهارت خوبی داشته است و بعد از قصیده، بیشترین حجم دیوانش را ترکیب‌بندها تشکیل می‌دهند، یعنی **سیزده ترکیب‌بند** که (874 بیت) در بردارد، همچنین **هشتاد و دو قطعه و چهل رباعی و پنج غزل** نیز در دیوانش ثبت شده است. در مجموع دیوان 7210 بیت است.

**اوزان و بحور قصاید:** چهل و سه قصیده در بحر مجتث، سی و چهار قصیده در بحر رمل، سی قصیده در بحر مضارع، پانزده قصیده در بحر هزج، سه قصیده در بحر منسرح، دو قصیده در بحر خفیف و یک قصیده در بحر رجز سروده شده است. تعداد سی و نه قصیده مردّف است.

\* **سکونت در هرات**، او مدتی در مرکز حکومتی و فرهنگی فرزندان تیمور، اقامت داشت و سلطان حسین میرزا و وزیر ادیب و دانشمندش، امیر علیشیر نوایی و دیگر شاهزادگان تیموری را مدح گفت. **اشعار مذهبی** نظام که عمدتاً در توحید و منقبت پیامبر و مدح ائمه تشیع است از همان روزگار خودش مورد توجه بوده و در تذکره‌ها انعکاس بسیاری یافته است، به طوری که بعضی تذکره‌نویسان او را شاعری معرفی کرده‌اند که مدّاحی نکرده و تنها در ذکر مناقب اهل بیت سخن گفته است: «و او به غیر مدح اهل بیت شعری نگفته، بقول آهات اهل دنیا زبان نیالوده» (هفت‌اقلیم، ج 3، ص 107). تأکید بر عظمت پیامبر و اهل بیت به ویژه امام علی «ع» عمده‌ترین محور فکری نظام، است و از این که جوانی‌اش را به مدح ایشان نپرداخته، افسوس می‌خورد:

تا به مردن برنردارم روی از خاک درت هم بدین نوعم گذشتی کاش ایام شباب وقت پیری، عمر اگر در مدحت حیدر گذشت ای نظام آن را غنیمت دان چو ایام شباب

پنج قصیده (شماره‌های 125/88/81/68/1) را با توحید و نیایش آغاز کرده و در ادامه به منقبت‌گویی پیامبر و ائمه پرداخته است. در 11 قصیده به وصف مناقب پیامبر «ص» پرداخته، در قصیده شماره 20 شاه کربلا را مرثیه گفته:

هر شام، سرخیی که برین نیلگون سماست  
 زین درد، ساکنان فلک در مصیبتند  
 بی‌نور گشته از دم شمشیرِ اهلِ شام  
 گردون که نیستش غم هیچ آفریده‌ای  
 قصیده 108 را در مدح امام رضا «ع» سروده‌است:

ای غبار آستان کحل چشم حور عین  
 ای به صورت، گوهر درج علی المرتضی  
 ای تو را از فیض سرمد، پایت در رکاب  
 وی نسیم روضه‌ات باد پر روح الامین  
 وی به معنی، قره‌العین نبی المرسلین  
 وی تو را از بدو فطرت، رخس عصمت زیر زین

همچنین در قصیده شماره یک بعد از توحید و منقبت پیامبر به مدح آن حضرت پرداخته است:  
 شاه خراسان مقام، ماه سپه‌احتشام  
 گل‌بخت چمن، گوهر زهرا صدف  
 بحر کیاست گهر، نخل فراست ثمر  
 گل‌نصر ف، دلش منهی اسرار سنج  
 ای ز صفا روضه‌ات غیرت باغ بهشت  
 دیده‌ور عقل را شمع حریم حرم  
 داور دوران غلام، کامل مشکل‌گشا  
 موسی عیسی نفس، آدم یحیی حیا  
 صبح سعادت‌اثر، مهر شریعت‌ضیا  
 وقت تلطّف، لبش خضر مسیحا دوا

وی ز شرف، مرقدت کعبه‌ز و علا قصیده شماره 104 بیانگر آرزومندی شاعر برای ظهور حضرت مهدی «عج» است:

هر سحر گردی ز جیب آسمان آید برون  
 نصب کرده رایت نصرت، شهنشاه ختن  
 از ته خرگاه دیرین سال فد آشان صنع  
 رخنه در دیوار مشرق افکننق تاب صبح  
 کین بت گلگون قبا دامن‌کشان آید برون  
 بهر فتح کشور هندوستان آید برون  
 تخت جمشید و درفش کاویان آید برون  
 خشت زر بینی که ناگاه از میان آید برون

نظام ارادت خاصی به حضرت علی «ع» دارد، **چهل و هفت قصیده** را به مدح آن حضرت اختصاص داده و عاشقانه ایشان را مدح می‌گوید در پنج قصیده نیز بعد از توحید و منقبت پیامبر به ذکر اوصاف آن حضرت پرداخته است.

امام الانس و الجنه ، وصیّ المصطفیٰ حقّه تا  
که بهر خدمتش هست از کمر بندان، یکی جوزا  
امام مشرق و مغرب ، شریف یثرب و بطحا  
علیّ عالیّ اعلم ، ولیّ والی والا  
رفیق احمد مرسل به گردون در شب اسری  
کز ایجادش مکمل گشت صنع مبدع الاشیا  
هنوز آدم نخوانده درس علم علیّ تمّ الأسماء

محیط علم را گوهر، امیرالمومنین حیدر  
مه اچ ولایت، آفتاب ذروه عزّت  
امیر صفدر غالب، علی ابن ابی طالب  
بهار گلشن عالم ، چراغ دوده آدم  
ز خیل اولیا اعقل ، ز جمع اصفیا اکمل  
شهنشاه قضاقدت ، فلک قدر ملک سیرت  
دل آگاهی که ابجدخوان علمش بوده عقل کلا

\* **دعوت به زهد و درویشی**، نظام بعد از آنکه از هرات به استرآباد بر میگردد در اواخر زندگی درویشی اختیار میکند و قصایدی زاهدانه میسراید در مجموع دیوان هفده قصیده با این مضمون وجود دارد.

نهال آرزو منشان که بار آرد پشیمانی  
کز آب ابر خرسندی غبار حرص بنشانی  
که هست این بر مثال آب و عکس جرم نورانی  
دلیل این بس که واجب شد گه احرام، عریانی

بسه باغ دل درین بستانسرای عالم فانی  
درین ره ، دیده بخت تو آن دم راه بین گردد  
بسه دست کس نیاید گوهر مقصود ازین دریا  
مجرد از لباس آرزو شو، قرب اگر خواهی

این مضمون علاوه بر قصاید در رباعیات و قطعات او نیز به چشم می خورد.

\* **معمّا گویی**؛ نظام با اینکه معمّا گویی را کنار نهاده و به قصیده سرایی پرداخته است، آثار معمّا اندیشی در زبان و بیان او باقی مانده و به دو صورت در کلامش ظهور یافته است، نخست ابیاتی که معمّا گونه اند و فهم آنها به راحتی ممکن نیست، دوم ابیاتی که با بهره گیری از اسلوب معادله ساخته شده است که بعدها شاعران سبک هندی به این سبک، شعر گفتند، به عبارتی میتوان نظام را جزو نخستین شاعرانی دانست که در دگرگونی سبک عراقی به سوی سبک هندی گام برداشتند و از تکرار مضامین عراقی روی برتافته با نوآوری در تصویرسازی شاعرانه و نازک اندیشی گامی نو در تحول سبکی شعر فارسی برداشتند:

میکشم بر صفت مو که کشندش ز خمیر      معنی نازک اگر در دل سندان باشد

در این شیوه با بهره گیری از تشبیه تمثیلی و اسلوب معادله، مضمونهای بدیعی می آفریند، به این صورت که در مصراع (معمولا مصراع نخست) موضوعی معقول بیان میشود، سپس در مصراع بعدی برای مدّای قبلی مثالی محسوس آورده میشود، این ارتباط دو مصراع معمولا بر پایه تشبیه است:

از بهر صید خلق نهد دام ، شیخ شهر  
 لطف خلقت سربلندان را ز سر سازد قدم  
 دل کند عزم سفر چون تاب محنت سوزدش  
 از دل گرم فقیران بایدت کردن حذر  
 خسته خاطر گردد آن کو فاش سازد راز دل

صیادوار کرده نهان رو در انزوا  
 می‌نماید عکس اشیا سرنگون ز آب زلال  
 می‌گشاید بال، آن مرغی که گرما یافته  
 زآن که قوم نوح را برخاست طوفان از تنور  
 دارد از بهر همین ، سوراخها در سینه کان...

گاهی بیشتر ابیات قصیده به این شیوه ساخته شده است، ابیاتی از قصیده<sup>22</sup>:

بی‌پیشانی دل ، مرتاض ، جمعیت نیافت  
 عارف معنی طلب را به بود عریان‌تنی  
 زاهد خلوت‌نشین در ژنده آسایش کند

تخم را در مزرع دهقان، پیشانی خوش است  
 بهر دُر، غواص را در بحر ، عربانی خوش است  
 آهوی رم‌خورده را مسکن به ویرانی خوش است

گریه‌آلود است چشم پیر ، یعنی چون شود  
 دزد جانها شد ستاره زان برون آمد به شب  
 ظالم مغرور دل‌ها را بر آتش می‌نهد

کشت‌زاری خشک، بر سر، ابر بارانی خوش است  
 دزد را در کار دزدی، شام ظلمانی خوش است  
 نفس مست کام‌جو را مرغ بریانی خوش است

\* آشنایی با قرآن و معارف اسلامی ؛ نظام علاوه بر علوم ادبی و نجوم به علوم دینی و معارف اسلامی تسلط کامل دارد و در جای جای دیوان او میتوان این اطلاعات او را به صورت تلمیح و تضمین مشاهده کرد، در مجموع به مضمون 190 به صورت تلمیح یا تضمین اشاره کرده است:

مثال برای تلمیح:

دل آگاهی که ابجدخوان علمش بوده عقل کل  
 پی چاک گریبان دوختن ، از آسمان، عارف  
 به طور معرفت ، برق ضمیر وحدت اندیشش  
 شفیع‌المدنبین، ختلهر سل ، خیرالوری، یعنی  
 تضمین قسمتی از آیه:

هنوز آدم نخوانده درس علمها تم الاسما  
 فرو آرد به مغناطیس همت ، سوزن عیسی  
 برآرد دود غیرت از نهاد آتش موسی  
 نبی ام‌تهک سی امام مسجد الاقصی

توبه زین دعوی بی‌معنی‌ات اولی است نظام  
 سرو خرامان قدش در چمن «فاستقم»<sup>1</sup>

بر زبان به که بود «تبت الیک» ای توآب  
 نیر تابان رخس بر فلک‌والارض احا

<sup>1</sup> فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَ مَنْ تَابَ مَكَفٌ وَ لَا تَطْغَوْا لِيْءُ بِمَا نَعْمَلُونَ بَصِيْرٌ. (آیه 112 سوره هود/11) قصیده 1 بیت 12.

از احادیث و روایات شیعه به ویژه کلام حضرت علی «ع» استفاده میکند:

حیدر احمدلوا ، یوسف عیسی دوا  
نخل ریاض کرم ، سبزه باغ حرم  
بحر سخا، کان فضل، گوهر دریای علم  
مـرغ سلونی نوا<sup>۱</sup> ، صفدر مالک رقاب  
برج مه لوکشف<sup>۲</sup>، دُرُج دُر لافتی  
شاه نجف، میر نحل، ساقی روز جزا

\* **یوسف و عیسی**؛ تلمیح به حوادث زندگی این دو پیامبر در دیوان نظام انعکاس وسیعی دارد، چند نمونه:

نتوان دوخت گریبان بقا روز اجل  
ز غم به جیب ملک چاک هاست در گردون  
روح به قالب دمید صبح مسیحا نفس  
گر چه در دامن خود سوزن عیسی یابی  
نبرده سوزن از این فرش بی سبب ، عیسی  
اشک زلیخا فشاند گلرخ یوسف لقا

\* **توجه به شاعران پیشین**؛ در قصیده‌گویی به انوری، ظهیر، سلمان و خاقانی نظر دارد، ابیاتی از آنها تضمین کرده و قصایدی به استقبال یا جوابگویی آنها سروده است:

در خورد توست آن که حکیم انوری گذاشت  
«کای کاینات را به وجود تو افتخار  
خجسته بی‌تی از اشعار دلکش سلمان  
مرا تصوّر مدحت چنان بود که بود  
دو بیت از سخنان ظهیر می آرم  
«اگر زبای درآید زمانه باکی نیست  
ز نظم ، جاه تو را هیچ در نمی‌باید  
به حسب حال من این بیت حافظ شیراز  
«تو دست گیر شوای خضر پی خجسته که من  
بر صفحه زمانه ز کلک سخن‌گزار  
وی پیش از آفرینش و کم ز آفریدگار»  
درین مقام ز انصاف می‌کنم تضمین  
شکسته پر، مگسی را هوائی تییین  
که هستم ز سر صدق کمترینه و شاق  
تو شاد زی که درست است دولتت را ساق  
چنان که نظم مرا از جزالت و اغلاق»  
شنو کله مردم خوش طبع ، غمگسارانند  
پیاده می روم و هم‌رهان سوارانند»

گاه نیز صادقانه اعتراف میکند که بعد انوری و سلمان قصیده گفتن دشوار است:

<sup>۱</sup> سلونی قبیل ان تفتونی فوالله ما فی القرآن آیه الا و انا اعلم فیمن انزلت و ایزن نزلت ؛ فی سهیل او فی جبل ، و ان ربی وهب لی قلبا عقولا و لسانا ناطقا . (قصیده ۱ بیت ۵۸)  
<sup>۲</sup> لو کتبت العطاء ما ارددت یقینا . (قصیده ۱ بیت ۵۶)

من ازین معدن چه یابم زانکه در اطراف او      ز انوری چیزی که مخفی مانده سلمان یافته

این اشارات بیانگر اشراف کامل او دیوانهای شعر این بزرگان است. گاهی به ظهیر و انوری اعتراض میکنند که در پیری نیز مداحی کرده‌اند، در قصیده 124 خطاب به حضرت علی «ع» می‌گوید:  
 داد ده‌ها نظام را داعیه آن که بعد از این      حصر کنند به مدحت شیوه نظم‌گستری  
 نی که تمام عمر خود صرف کند به گوشه‌ای      بهر مدیح ناکسان همچو ظهیر و انوری

هرچند که خودش نیز از همین راه امرار معاش کرده‌ت می‌در ایتم پیری. در قصیده 119 خطاب به خواجه سیف الدین مظفر می‌گوید:

اگر چه از کمال مرحمت هرساله ، ای خواجه      غلام پیر خود را کرده ای تعیین ، ادراری  
 ولی افتاده‌ام بر خاک دارم آرزو کاخر      به اسب باذ رفتاری مرا از خاک برداری  
 برین خواهش نگشته غیر پیری باعث دیگر      که قوت بود یار اکنون نمی‌ینم ازو یاری

\* حسن تعلیل شاخصترین شگرد بیانی است که نظام برای تصویرسازی از آن بهره می‌گیرد، استعاره مکنیه هصر<sup>۳۰</sup>، تشبیه و کنایه نیز حضور پررنگی دارند:

از شرم صورت تو نگارا ، گه نگار      افکننده زیر ، خامه صورت‌نگار سر  
 رخسار زرد، برگ خزان مینهد به خاک      بهر دعای عمر شه‌نشاہ کامران  
 قوت شکم ز زرع کسان کرده، زین گناه      افکننده طوق عدل تو در گردن، حمام

گذشت عمر و نکردم به جز گنه، کاری      میان مردم ازین شرم مانده، پیش سرم  
 وداع میکنم زندگی درین منــــزل      خمیده گشت قد من که می‌کشد به برم  
 فتاد نقد جوانی ز من، از آن در ره      به قد خم‌شده در پیش خویش می‌نگرم  
 یاد می‌آرد ز خرگاه رفیعت وز شهاب      می‌دود هر سو عرق بر روی چرخ از انفعال  
 تا کشد دیوار قدرت بر فلک، خاکسترش      ریخته از کهکشان ، معمار صنع لایزال  
 آب فـرات نیست با فغان، کفـتـ صل      با گردش سپهرش ازین قصه ماجراست  
 تا آفتاب این خنکی دید از فلک      مو بر تنش ز شعله نظر کن که گشته راست  
 دود قهر تو همی کـرد جهان را تاریک      گر نبود به فلک روزنه ها از اجرام  
 ستاره در غم روزت که آن به هیچ گذشت      ز دیده خون شفق می‌فشاند از اشفاق  
 کشد ز موج به هم روی خویش را دریا      مگر که زهر نهیب تو در شدش به مذاق

\* در میان آرایه‌های بدیعی به جناس افزایشی علاقه خاصی دارد:



در کوی خدمت تو بود اردوان دوان  
حاش لله گر دمی دارا مدارا یافته  
یکی بود نقط شعر و دانه های شعیر  
مخالفت به نبی بی خلاف کرده خلاف

بر روی هندوی تو کند ارسلان سلام  
وقت رفتن با وجود اهتمام بذل مال  
فتاده کار مرا با خری که نزدیکش  
به قول «لحمک لحمی» که معتبر سخنی است

\***تصویر سازی با حروف:** با حروف (الف ، واو ، قاف ، سین ، دال ، ذال ، جیم ، نقطه ، شین ، نون ، تشدید ، کاف ، صاد ، میم) تصاویر بدیعی آفریده است:

مثال برای (الف ، واو ، سین ، دال ، نقطه):

چون «واو» عمرو بی حرکت از غم زمان  
به گاه حمله کین، رخنه رخنه ، چون سر سین  
شود عدوی تو را تن چو تخته رمال

ضایع بسان حمزه «بسم» از جفای چرخ  
فکنده با الف تیغ کینه در سر قاف  
ز نقطه و لالف زخم تیر و شمشیرت

مثال برای (نقطه ، جیم ، سین ، شین):

خشت غم در زیر سر چون نقطه زیر فرق جیم  
یکی بود نقط شعر و دانه های شعیر بی  
نقطه ماند روی سما کان بود ز سین سین  
سما ز کلک قضا یافت شکل شین

هست دایم سرورا در دهرم از کلک نصیب  
فتاده کار مرا با خری که نزدیکش  
شد محو نقطه های نجوم از رخ سپهر  
از نقطه مثلثه کان نسر واقع است

نون :

سپهر نون و درو گوی ارض نقطه نون  
بدان صفت که بود نقطه از قلم در نون

به لوح مکتب جاهت ز نوک کلک قضا  
سر عدوی تو را جا به طشت باد از تیغ

تشدید (-):

زمانه ارّه به فرقش نهد چو حرف مشدد

کسی که شد به دلش دشمنی آل تو مدغم

کاف :

که پیش بسته بود بر مثال کوچه کاف  
پا ننهاده هنوز بر سر نون حرف کاف

مسنج حرف ز مقصد در آن ره ، ای گمره  
کاف کمال تو بود تاج سر کبریا

صاد :

که شد سفید به بیت الحزن چو دیده صاد

به عین منتظر پیر خطه کنعان

میم :

بوتنه امتحان دهد ما را

فلک از میم محنت ایام

## نتیجه

از مطالعه دیوان او درمی‌یابیم که:

- 1- نظام قصیده‌گوی توانمندی است که توانسته خود را به بزرگان قصیده‌گویی همانند خاقانی، سلمان، انوری بسیار نزدیک نماید.
- 2- با شناخت کافی از گذشته ادبی ایران، سعی کرده در شیوه بیان و تصویرسازی نوآوری نماید. کاری که در دوره بعد با نام سبک هندی شهرت یافت.
- 3- اشراف کامل او به قرآن حدیث در کلامش کاملاً مشهود است.
- 4- ارادت خاصی به اهل بیت به‌ویژه به حضرت علی «ع» دارد و از شاعران توانمند شیعی پیش از صفویه است.
- 5- شعر او هم از جنبه ادبی و تغییر سبک عراقی به هندی و هم از نظر تاریخ شعر شیعی ارزشمند است.
- 6- با توجه به این که قبل از قصیده‌سرایی، معماً می‌گفته، شعرش تحت‌الشعاع آن قرار گرفته و ابیاتی گاه شکل معماً به خود گرفته است و به راحتی قابل فهم نیست.

## منابع

قرآن کریم

1. ابداع البدایع، شمس‌العلمای گرکانی، حاج محمدحسین، (1377)، به اهتمام حسین جعفری، تبریز، انتشارات احرار.
2. آشنایی با عروض و قافیه، شمیسا، سیروس، 1369، تهران، فردوس، چاپ چهارم.
3. بیان، شمیسا، سیروس، 1374، تهران، انتشارات فردوس.
4. تاریخ ادبیات در ایران، صفا، دکتر ذبیح‌الله، 1369، تهران، فردوس.
5. تحفه‌سامی، سام میرزا صفوی، تصحیح و تعلیقات فاطمه انگورانی، 1389، تهران، انتشارات انجمن آثار و مفاخر.
6. ترجمه اسرار البلاغه جرجانی، تجلیل، جلیل، 1374، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
7. حبیب‌السیر، خواندمیر، غیاث‌الدین بن همادالدین الحسینی، تصحیح دکتر محمد دبیرسیاقی، 62، 13، تهران، نشر کتابفروشی خیام.
8. حدایق السحر فی دقایق الشعر، وطواط، رشیدالدین محمد عمری کاتب بلخی، (1362)، به تصحیح و اهتمام عباس اقبال «آشتیانی»، تهران، کتابخانه طهوری و کتابخانه سنایی.
9. دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی، نسخه خطی شماره 2514/1 کتابخانه ملی.

10. دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی، نسخه خطی شماره 13983 کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
11. دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی، نسخه خطی شماره 26 کتابخانه سازمان دهخدا.
12. دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی، نسخه خطی شماره 9406 کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
13. دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی، نسخه خطی شماره 375 کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری.
14. دیوان اشعار نظام‌الدین استرآبادی، نسخه خطی شماره 826 کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
15. دیوان انوری، تصحیح سعید نفیسی، 1364، تهران، انتشارات نسک ت.
16. دیوان خاقانی شروانی، تصحیح دکتر ضیاء‌الدین سجادی، 1383، تهران، انتشارات زوآر.
17. دیوان سلمان ساوجی، 1336، به اهتمام منصور شفق، تهران، انتشارات صفی‌علیشاه.
18. دیوان وحشی بافقی، تصحیح محمد عباسی، 1368، تهران، فخر رازی.
19. سبک شناسی بهار، محمد تقی، 1381، تهران، انتشارات زوآر.
20. سبک شناسی شعر، شمیسا، سیروس، 1379، تهران، انتشارات فردوس.
21. شرح درد اشتیاق، تجلیل، جلیل، 1387، تهران، انتشارات سروش.
22. فنون بلاغت و صناعات ادبی، همایی، جلال‌الدین، 1373، تهران، نشر هما.
23. کلیات سبک شناسی، شمیسا، سیروس، 1384، تهران، میترا، چاپ نخست از ویرایش دوم.
24. معانی و بیان، تجلیل، جلیل، 1376، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
25. معانی، شمیسا، سیروس، 1373، تهران، نشر میترا.
26. موسیقی شعر شفيعی کدکنی، محمدرضا، 1370، تهران، آگاه، چاپ سوم.
۲۷. نگاهی تازه به بدیع، شمیسا، سیروس، 1374، تهران، فردوس، چاپ چهاردهم (ویرایش دوم).